

نگرش شهروندان تبریز به تنوعات گویشی در استان آذربایجان شرقی با تأکید بر سه شاخص تفاوت زبانی، صحیح بودن و خوشایندی^۱

علیرضا قلی فامیان^۲

دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵

چکیده

نگرش زبانی که ناظر بر هرگونه احساس و تلقی یک فرد از زبان خود یا دیگری است، با مفاهیمی مانند فرهنگ، هویت و سازوکارهایی همچون برنامه‌ریزی زبان سروکار دارد. در این پژوهش براساس سه شاخص «تفاوت گویشی»، «صحیح بودن» (اعتبار اجتماعی) و «خوشایندی»، نگرش شهروندان تبریز در خصوص تنوعات گویشی زبان ترکی آذری در سطح استان آذربایجان شرقی ارزیابی شده است. به این منظور پرسشنامه‌ای شامل سه نقشه استان در اختیار ۳۸۴ شهروند آذری زبان ساکن تبریز قرار گرفت. آزمودنی‌ها نظر خود را درباره میزان تفاوت گویش‌های شهرستان‌های استان نسبت به تبریز با مقیاس عددی ۱ تا ۴، و میزان صحیح بودن و خوشایندی گونه‌های زبانی رایج در شهرستان‌ها را با مقیاس عددی ۱ تا ۷ اعلام کردند. نتایج آماری نشان داد که اصل همجواری در نگرش شهروندان تبریز نسبت به تفاوت گویشی صدق می‌کند، زیرا از نظر آنان، گویش‌های رایج در شش شهرستان همجوار با تبریز، کمترین تفاوت را با گونه زبانی تبریز دارند. از سوی دیگر، اغلب آزمودنی‌ها، گونه رایج در شهر تبریز را صحیح‌تر و خوشایندتر از گونه‌های زبانی سایر شهرستان‌ها دانستند. به جز دو استثنا - مراغه و بناب- در سایر شهرستان‌های استان، میان دو شاخص صحیح بودن و خوشایندی، همبستگی مثبت مشاهده شد. گروه زنان نسبت به مردان، گونه زبانی تبریز را صحیح‌تر و

۱- این مقاله مستخرج از پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

خوشایندتر معرفی کردند. گروه سنی ۴۵-۲۶ ساله به وجود تفاوت بیشتر بین گویش تبریز با گونه‌های سایر شهرستان‌ها قائل شدند. گروه غیرتحصیل‌کرده حساسیت بیشتری به مفهوم خوشایندی گونه‌های زبانی استان نشان دادند. نتایج این مطالعه، ضمن ارائه دستاوردهای نظری در چارچوب جامعه‌شناسی زبان و گویش‌شناسی، می‌تواند به برنامه‌ریزی زبانی و تصمیم‌گیری در نهادهایی مانند صداوسیما استان و مراکز آموزش زبان ترکی آذری کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نگرش، تفاوت زبانی، صحیح‌بودن، خوشایندی، تبریز.

۱- مقدمه

انسان موجودی است که بنا بر تجربه خود درخصوص مفاهیم و پدیده‌های مختلف می‌اندیشد و قضاوت می‌کند. حاصل این اندیشه‌ورزی و قضاوت، نگرشی است که در ذهن انسان شکل می‌گیرد. گاه نگرش فرد به یک موضوع مثبت است و گاه منفی و حتی ممکن است یک فرد درخصوص یک موضوع اصطلاحاً «نظری نداشته باشد». گاه نگرش فرد مبتنی بر اطلاعات دقیق و قابل اعتماد است و گاه نگرش صرفاً از برخی داده‌های پراکنده و حتی نادرست شکل می‌گیرد. صرف نظر از درستی یا نادرستی نگرش‌های مختلف انسان، آنچه اهمیت دارد این است که نگرش‌ها بر رفتار آدمی تأثیر دارند و هرگونه برنامه‌ریزی برای تغییر رفتار به تغییر نگرش افراد نیاز دارد. یکی از انواع نگرش‌ها، نگرش زبانی است که ناظر بر هرگونه احساس و تلقی یک فرد از زبان خود یا دیگری است. مفهوم نگرش زبانی در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان و گویش‌شناسی ادراکی^۱ مطرح شده است و برای مثال، در بحث برنامه‌ریزی زبانی-که ذیل حوزه جامعه‌شناسی زبان می‌گنجد- محققان و دست‌اندرکاران طرح‌های برنامه‌ریزی با مفاهیم کلان مانند فرهنگ و هویت و مفاهیم جزئی‌تر مانند نگرش زبانی سروکار دارند. شایان ذکر است که نگرش زبانی مفهومی صرفاً فردی و انتزاعی نیست و نگرش اهل زبان ممکن است منجر به تغییر در سطوح کلان یا خرد زبان شود (چمبرز^۲ و ترادگیل^۳، ۲۰۰۴: ۱۵۸). همچنین، نگرش زبانی محدود به زبان‌شناسی نظری نیست و گروهی از محققان بر این باورند که این مفهوم امروزه از دغدغه‌های حوزه زبان‌شناسی کاربردی نیز به‌شمار می‌آید (برنز^۴

1. perceptual dialectology
2. J.K. Chambers
3.P. Trudgill
4.M. Berns

و ماتسودا^۱، ۲۰۰۶: ۴۰۲) و اصولاً موفقیت در برنامه‌های آموزش زبان دوم بدون شناخت انگیزه و نگرش زبان‌آموزان نسبت به زبانی که آن را می‌آموزند امکان‌پذیر نیست (باتیا^۲، ۲۰۰۶: ۲۱).

موضوع نگرش زبانی دست‌مایه چند مطالعه در زبان‌شناسی ایران بوده است. داوری اردکانی (۱۳۸۸)، ضمن مطالعه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ زبانی، به بررسی نگرش زبانی و ارتباط سازه‌های آن با یکدیگر پرداخته است. وی با رویکردی میدانی در میان فارسی‌زبانان شهر تهران، سه ساحت نگرش زبانی، شامل پیکره، شأن و زبان‌آموزی، را از جنبه‌های مختلف آگاهی، احساس و رفتار مطالعه کرده و نشان داده است که از میان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نگرش‌های زبانی ساکنان تهران، مؤلفه احساس، به‌طور کلی، و احساس نسبت به شأن زبان فارسی، به‌ویژه، بیشترین سهم را در نگرش زبانی آزمودنی‌ها دارد. همچنین افخمی و داوری اردکانی (۱۳۸۴)، ضمن اشاره به تعاریف مختلف مفهوم نگرش در روان‌شناسی و مفاهیم مرتبط مانند هوشیاری زبان، بر این نکته تأکید می‌کنند که به‌کمک ارزیابی نگرش افراد یک جامعه درباره زبان خود می‌توان به میزان آگاهی آنان درخصوص زبان پی برد و به این ترتیب با موفقیت بیشتری به برنامه‌ریزی زبانی پرداخت.

بحث نگرش زبانی گاه با موضوع زبان‌ها و گویش‌های در معرض خطر پیوند می‌خورد. اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶)، به‌روش میدانی، به بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد در برخی حوزه‌های غیررسمی، مانند خانواده، مازندرانی زبان غالب است، درحالی‌که در حوزه‌های رسمی، مانند مدرسه و اداره، زبان فارسی غلبه دارد. محققان پژوهش مذکور با کمک پرسشنامه و مصاحبه دریافته‌اند که نگرش‌ها نسبت به مازندرانی، به‌خصوص در میان جوانان، مثبت نیست و لذا نتیجه گرفته‌اند که مازندرانی یک روند فرسایشی تدریجی را طی می‌کند.

تاکنون مطالعه‌ای در زمینه نگرش اهل زبان در مناطق آذری‌زبان کشور ایران انجام نشده است. از این رو، محقق در این پژوهش با طرح هفت پرسش زیر دیدگاه شهروندان شهر تبریز-

مرکز استان آذربایجان شرقی- را در خصوص شاخص‌های تفاوت گویشی، اعتبار اجتماعی و خوشایندی ارزیابی می‌کند:

(۱) از نظر شهروندان شهر تبریز، گونه‌های ترکی آذری رایج در سایر شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به چه میزان با گونه تبریزی تفاوت دارد؟

(۲) شهروندان تبریز چه نگرشی درباره شاخص صحیح‌بودن (اعتبار اجتماعی) گونه‌های زبانی شهرستان‌های استان دارند؟

(۳) شهروندان تبریز چه نگرشی درباره شاخص خوشایندی گونه‌های زبانی شهرستان‌های استان دارند؟

(۴) آیا میان دو شاخص صحیح‌بودن و خوشایندی همبستگی وجود دارد؟

(۵) آیا متغیر جنسیت در نگرش افراد نسبت به سه شاخص تفاوت گویشی، اعتبار اجتماعی و خوشایندی تأثیر دارد؟

(۶) آیا متغیر سن در نگرش افراد نسبت به سه شاخص تفاوت گویشی، اعتبار اجتماعی و خوشایندی تأثیر دارد؟

(۷) آیا متغیر تحصیلات در نگرش افراد نسبت به سه شاخص تفاوت گویشی، اعتبار اجتماعی و خوشایندی تأثیر دارد؟

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی که، به‌طور ویژه، به موضوع نگرش زبانی پرداخته است، گویش‌شناسی ادراکی است. در این حوزه سه مفهوم در قالب (۱) شاخص «تفاوت» یا شباهت یک گویش با گونه‌های دیگر (به‌خصوص گونه معیار)، (۲) شاخص «صحیح‌بودن» (که گاه با عنوان اعتبار اجتماعی مطرح می‌شود) و (۳) شاخص «خوشایندی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که نگارنده مقاله حاضر نیز به این شاخص‌ها پرداخته است، در ادامه چند مطالعه مرتبط را که در کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان، ترکیه، ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی انجام شده‌اند، مرور می‌کنیم.

در مطالعه‌ای مبتنی بر گویش‌شناسی ادراکی، نگرش اهل زبان به گونه‌های زبان فرانسه در شهر پاریس و استان پرووانس بررسی شده است. در این مطالعه که با استفاده از پرسشنامه،

نقشه‌های ادراکی و مصاحبه انجام گرفته است، ۲۴ ناحیه در کشور فرانسه (شامل استان پرووانس) تعیین شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا نگرش خود را درباره «صحیح‌بودن»، «خوشایندی» و میزان تفاوت گونه هریک از مناطق ۲۴ گانه با گویش محلی خود ابراز کنند. شاخص صحیح‌بودن و خوشایندی با عبارات «بدترین» تا «بهترین» از عدد ۱ تا ۷ درجه‌بندی شد. میزان تفاوت نیز از عدد ۱ (کمترین تفاوت) تا ۴ (بیشترین تفاوت) اندازه‌گیری شد. آزمودنی‌ها در بخش دیگر تحقیق مناطقی را که به نظرشان گویش مشابهی داشت خط‌کشی کردند و در پایان نیز از آنان خواسته شد درباره پاسخ‌های خود توضیح دهند و در صورت امکان برخی گونه‌های محلی را تقلید کنند. در مجموع ۷۶ پارسی و ۲۵ شهروند استان پرووانس در این تحقیق مشارکت داشتند. آزمودنی‌های اهل پاریس میزان تفاوت گویش پرووانس با گویش پارسی را خیلی زیاد (رتبه بیستم از بیست‌وچهار) اعلام کردند و از نظر شاخص صحیح‌بودن نیز رتبه بیستم را برای این استان رقم زدند. با این حال، از نظر آنان گونه زبانی این استان، به لحاظ شاخص خوشایندی، پس از پاریس و تورین در رتبه سوم قرار داشت. در کمال تعجب، آزمودنی‌های پرووانسی اظهار داشتند که گویش رون-آلپ^۱ و لیون^۲ بیش از هر منطقه دیگری در فرانسه به گویش پرووانسی شبیه است. این نگرش با واقعیت امر مطابقت ندارد، چراکه گویش سایر مناطق مانند لانگ‌دوک یا گاسکون شباهت بیشتری به گویش پرووانس دارد (کویپر^۳، ۲۰۰۵: ۳۷). مصاحبه‌های ضبط‌شده و تقلید گویش‌ها نیز جالب‌توجه بود. آزمودنی‌های پارسی با رغبت گویش پرووانسی را تقلید می‌کردند و با اطمینان خاطر به تفاوت‌های آن با گویش خود اشاره می‌کردند. در خصوص آزمودنی‌های اهل پرووانس ماجرا کمی پیچیده‌تر بود. آزمودنی‌های جوان‌تر گویش پارسی را صحیح و خوشایند می‌دانستند و در گونه فردی خود اغلب مشخصه‌های آوایی آن را به کار می‌گرفتند. البته آنان بر این باور بودند که با وجود تلاش زیاد، گونه فردی آنان با الگوی آرمانی پارسی فاصله بسیار دارد و نسبت به آن پست‌تر است. هنگامی که از آنان خواسته می‌شد با لهجه پارسی صحبت کنند، این کار را

1. Rhône-Alpes
2. Lyonnais
3. L. Kuiper

می‌کردند اما خودشان متوجه نبودند که به‌طور کامل پارسی سخن می‌گویند. کوپیر (۲۰۰۵): (۴۷) معتقد است که درواقع تفاوت اصلی میان گویش مادری و گویش پارسی این دسته از آزمودنی‌های پرووانسی در ذهن آنان است. آنان نه‌تنها هنجارهای پارسی را برای معیار صحیح بودن پذیرفته‌اند، بلکه حتی معتقدند صرفاً یک پارسی می‌تواند میزان موفقیت آنان را در تقلید گویش پارسی ارزیابی کند.

موضوع نزدیکی جغرافیایی، و به‌بیان فنی‌تر، همجواری^۱ و تعامل آن با سایر عوامل مانند مرزبندی‌های سیاسی و فرهنگی نیز مورد توجه محققان بوده است. مونتگمری^۲ (۲۰۱۲) با تمرکز بر سه منطقه شمالی انگلستان و پنج منطقه در مجاورت مرز اسکاتلند و انگلستان از ۴۲۵ آزمودنی خواست روی نقشه مناطقی را که به نظرشان دارای گویش‌های متفاوت‌اند خط‌کشی کنند. روی نقشه، مرز میان انگلستان، ولز و جنوب اسکاتلند و همچنین شهرهای عمده مناطق یادشده به‌صورت نقاط مشخص مشاهده می‌شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد شهرهای مهم را که روی نقشه با نقاط سیاه مشخص شده‌اند نام‌گذاری کنند، و دور مناطقی که فکر می‌کنند دارای گویش‌های محلی است خط بکشند.

از این گذشته، از آنان سؤال شد که آیا به چیزی به نام مرزبندی زبان شمال-جنوب معتقدند، و اگر پاسخ مثبت است، با ترسیم یک خط مرز موردنظر را مشخص کنند. آزمودنی‌ها بایستی مناطقی را که خط کشیده بودند، نام‌گذاری می‌کردند و نگرش‌شان را درخصوص گونه زبانی رایج در آنها می‌نوشتند. ذکر این نکته ضروری است که دوگانه زبانی شمال-جنوب بحثی متداول در بریتانیاست و اغلب مردم از طریق رسانه‌ها با این موضوع آشنا هستند. یافته‌ها نشان داد آزمودنی‌ها درخصوص یکسان‌شدگی گویش‌های محلی کشور انگلستان اتفاق نظر دارند. حدود ۲۲ درصد از آزمودنی‌ها ناحیه زبان ولزی را رسم کردند، هرچند درخصوص تنوع زبان ولزی در داخل منطقه ولز اظهار نظر نکردند. نگرش آزمودنی‌ها نسبت به تنوع در اسکاتلند نیز با زادگاه آزمودنی‌ها ارتباط داشت. مونتگمری با دقت در اطلاعات فردی آزمودنی‌ها دریافت که همجواری محض در تشخیص مرزهای گویشی نقش نسبتاً تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. برای مثال، حدود ۳۳ درصد از آزمودنی‌های اهل کارلیسل^۳ و ۴۷ درصد از آزمودنی‌های اهل

1. proximity
2. C. Montgomery
3. Carlisle

برامپتون^۱ ناحیه کیومبریا^۲ را تشخیص دادند، درحالی که میزان تشخیص برای سایر مناطق حدود ۶ درصد بود. این تفاوت معنی‌دار تأثیر عامل همجواری محض را به‌خوبی نشان داد. همچنین اغلب آزمودنی‌ها با ترسیم خط نشان دادند که به وجود دوگانه‌ای موسوم به زبان شمال-جنوب قائل‌اند (مونتگمری، ۲۰۱۲: ۶۵۴).

دیلی اوکین^۳ (۱۹۹۹) با تمرکز بر دو شاخص صحیح‌بودن و خوشایندی، نگرش ۲۱۸ شهروند آلمانی را درخصوص گونه‌های زبانی رایج در شرق و غرب کشور آلمان مطالعه کرد. یافته‌ها نشان داد که شهروندان آلمان غربی گونه زبانی خود را صحیح‌تر و خوشایندتر می‌دانند. همچنین مشخص شد که آزمودنی‌های ساکن شرق این کشور هر دو گونه زبانی را به یک اندازه صحیح می‌دانند، اما گونه غربی برایشان خوشایندتر است (دیلی اوکین، ۱۹۹۹، ۲۲۸-۲۲۷).

در تحقیقی دیگر، نگرش ۱۴۲ شهروند شهر بورسا^۴ در ۲۸۰ کیلومتری جنوب غربی ترکیه درخصوص صحیح‌بودن و خوشایندی گونه‌های زبانی ۷۳ شهر در سرتاسر کشور ترکیه بررسی شد. مطابق با یافته‌های این تحقیق، از نظر ساکنان بورسا، گونه‌های زبانی متداول در مناطق غربی صحیح‌تر و خوشایندتر هستند، هرچند در این میان، گونه زبانی شهر آنکارا در شرق کشور یک استثناء به‌شمار می‌آید و به احتمال بسیار زیاد، جایگاه اجتماعی و سیاسی این شهر، به‌عنوان پایتخت کشور، در شکل‌گیری این نگرش مؤثر است (دمیرچی^۵ و کلینر^۶، ۱۹۹۹: ۲۷۵).

بررسی نگرش اهل زبان به گونه‌های زبانی در ایالات متحده آمریکا نیز انجام شده است. در مطالعه‌ای ۶۶ نفر ساکن ایالت اورگن^۷ در شمال غرب این کشور نگرش خود را درخصوص گونه‌های زبانی رایج در سرتاسر کشور بیان کردند. یافته‌ها نشان داد که به نظر ساکنان اورگن، زبان انگلیسی در کشور آمریکا را می‌توان در پنج منطقه عمده طبقه‌بندی کرد: غرب، غرب

-
1. Brampton
 2. Cumbria
 3. J. Dailey-O'Cain
 4. Bursa
 5. M. Demirci
 6. B. Kleiner
 7. Oregon

میانه، شمال شرق، جنوب و هاوایی. البته در درون هر منطقه می‌توان به گونه‌های زبانی خاص‌تری، مانند گونه کالیفرنایی، گونه شهر نیویورک یا فلوریدا قائل شد. آزمودنی‌ها گونه زبانی ایالت خود (اورگن) و نیز گونه رایج در ایالت واشینگتن (در شمال اورگن) را صحیح‌ترین و خوشایندترین گونه‌ها معرفی کردند و گونه متداول در شهر نیویورک، به لحاظ دو شاخص، در پایین‌ترین رتبه قرار گرفت. در مجموع، سایر ایالت‌های غربی و غرب میانه نیز به لحاظ دو شاخص صحیح‌بودن و خوشایندی در رتبه‌های بالایی قرار گرفتند. گونه‌های جنوب غیرصحیح معرفی شدند، اما کم‌وبیش خوشایند تلقی شدند (هارتلی^۱، ۱۹۹۹: ۳۳۱-۳۳۰).

لانگ^۲ و یم^۳ (۲۰۰۲) با ارائه پرسشنامه به ۴۷۱ دانشجوی اهل نقاط مختلف کره جنوبی، کوشیدند نگرش آنان را نسبت به شاخص خوشایندی گونه‌های زبانی این کشور ارزیابی کنند. از آزمودنی‌ها خواسته شد ضمن درج مقادیر عددی برای شاخص خوشایندی، دور مناطقی که دارای گویش معین هستند، دایره رسم کنند و نام مناطق خط‌کشی‌شده را بنویسند. نتایج تحقیق مذکور نشان داد که نام‌گذاری مناطق توسط اکثریت غالب آزمودنی‌ها با تقسیم‌بندی سیاسی کشور مطابقت داشت. به بیان دیگر، دانشجویان، به جای استفاده از اصطلاحات و عباراتی مانند گونه شمالی و جنوبی یا شرقی و غربی، کوشیدند تنوعات را در قالب استان‌های کره جنوبی نشان دهند. اکثریت آزمودنی‌ها گونه زبانی سئول (پایتخت کره جنوبی) را خوشایندترین گونه معرفی کردند و نظر خاصی درباره گونه زبانی کشور کره شمالی نداشتند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش‌های میدانی است. یک پرسشنامه محقق‌ساخته در اختیار شماری از شهروندان شهر تبریز قرار گرفته و سپس پاسخ‌ها که در مقیاس عدد درج شده به‌عنوان داده‌های تحقیق در آزمون‌های توصیفی و استنباطی مورد استفاده قرار گرفته است.

1. L. C. Hartley
2. D. Long
3. Y.C. Yim

۳-۱- جامعه مورد بررسی

در این مطالعه، نظر آزمودنی‌های ساکن تبریز در خصوص تنوع گویشی ۲۰ شهرستان استان آذربایجان شرقی در قالب اعداد بیان شده است. آذربایجان شرقی بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین استان شمال غرب ایران است که از شمال به جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، از سمت غرب و جنوب غربی به استان آذربایجان غربی، از شرق به استان اردبیل و از سمت جنوب شرق به استان زنجان متصل است. مساحت استان آذربایجان شرقی ۴۵۴۹۱ کیلومتر مربع است و یازدهمین استان بزرگ ایران به‌شمار می‌آید. تصویر ۱ نقشه استان آذربایجان شرقی را به تفکیک بیست شهرستان آن نشان می‌دهد.



تصویر ۱- نقشه استان آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی دارای ۳۷۲۴۶۲۰ نفر جمعیت است. حدود ۷۰ درصد از جمعیت این استان در مناطق شهری و نزدیک به ۳۰ درصد در روستاها زندگی می‌کنند. شهرستان تبریز با حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر، نزدیک به ۴۵ درصد از جمعیت کل استان را در خود

جای داده است. ذکر این نکته ضروری است که این استان، به لحاظ زبانی، یکدست است و اکثریت ساکنان شهرها و روستاها به زبان ترکی آذری سخن می‌گویند. جمعیت شهرستان‌های استان در جدول شماره ۱ دیده می‌شود.^۱

جدول ۱- جمعیت شهرهای استان آذربایجان شرقی براساس آمار سال ۱۳۹۰

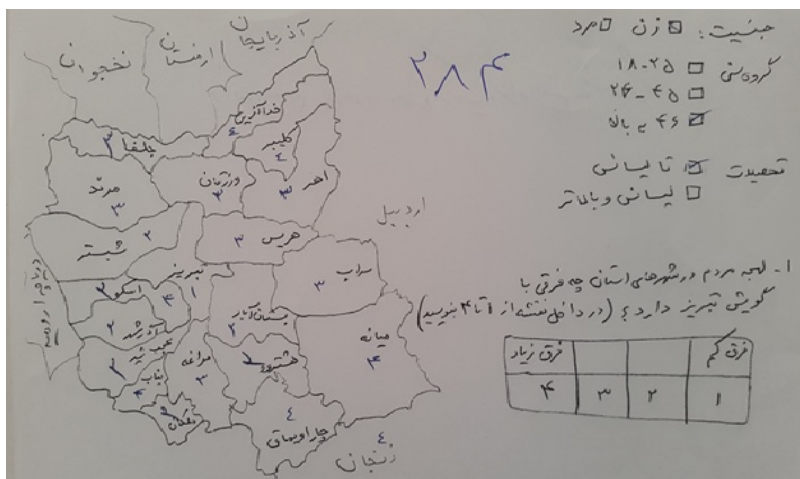
ردیف	شهرستان	جمعیت	ردیف	شهرستان	جمعیت
۱	تبریز	۱۶۹۵۰۹۴	۱۱	اسکو	۹۸۹۸۸
۲	مراغه	۲۴۷۶۸۱	۱۲	بستان آباد	۹۴۹۸۵
۳	مرند	۲۳۹۲۰۹	۱۳	هریس	۶۷۸۲۰
۴	میانه	۱۸۵۸۰۶	۱۴	عجب‌شیر	۶۶۷۴۶
۵	اهر	۱۵۰۱۱۱	۱۵	هشتگرد	۶۰۸۲۲
۶	سراب	۱۳۱۹۳۴	۱۶	جلفا	۵۵۱۶۶
۷	بناب	۱۲۹۷۹۵	۱۷	کلیبر	۴۸۸۳۷
۸	شمیستر	۱۲۴۴۹۹	۱۸	ورزقان	۴۵۷۰۸
۹	آذرشهر	۱۰۷۵۷۹	۱۹	خداآفرین	۳۴۹۷۷
۱۰	ملکان	۱۰۶۱۱۸	۲۰	چاراویماق	۳۲۷۴۵

در پرسشنامه ابتدا سه واحد اطلاعات شخصی از آزمودنی دریافت می‌شود که عبارتند از جنسیت (زن و مرد)، سن شامل گروه الف (۲۵-۱۸ ساله)، گروه ب (۴۵-۲۶) و گروه ج (۴۶ ساله به بالا) و تحصیلات شامل گروه الف (پایین‌تر از کارشناسی) و گروه ب (کارشناسی بالاتر). در پرسشنامه، نقشه استان آذربایجان شرقی به تفکیک بیست شهرستان درج شده است. در سؤال اول از آزمودنی خواسته شده است درخصوص میزان تفاوت گونه‌های زبانی شهرستان‌های استان، درمقایسه با گونه زبانی تبریز، اظهارنظر کند و نظر خود را در قالب اعداد ۱ تا ۴ (۱ به معنای کمترین میزان تفاوت و ۴ بیشترین تفاوت) بیان کند. در پرسش دوم، آزمودنی بایستی درباره میزان صحیح بودن (اعتبار اجتماعی) گونه‌های زبانی شهرستان‌های استان اظهار نظر کند. در پرسش سوم نیز آزمودنی‌ها نظرشان را درباره خوشایندی گونه‌های زبانی اعلام می‌کنند. پاسخ به پرسش‌های دوم و سوم با مقیاس عددی ۱ تا ۷ امکان‌پذیر است. با توجه به سه متغیر جنسیت، سن و تحصیلات، دوازده گروه مد نظر قرار گرفت. هر گروه

1. <http://amar.sci.org.ir>

شامل ۳۲ نفر بود و به این ترتیب و با کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش، ۳۸۴ پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری شد.

درخصوص پرسشنامه و آزمودنی‌ها ذکر چند نکته ضروری است. نخست این که از آزمودنی‌ها خواسته شد تا نگرش‌شان را درخصوص تمام شهرستان‌های موجود بیان کنند و حتی اگر به یک یا چند شهرستان سفر نکرده‌اند یا اطلاعات دقیقی درخصوص گویشی آن شهرستان ندارند، حتی‌المقدور بر اساس تجربیات فعلی یا آشنایی با گویشوران شهرستان‌های مجاور اظهار نظر کنند. تمام آزمودنی‌ها شهروندان تبریز بودند، زبان مادری‌شان ترکی آذری بود و والدین‌شان نیز آذری‌زبان بودند. یکی دیگر از شرایط انتخاب آزمودنی‌ها این بود که بیش از دو سال در خارج از استان آذربایجان شرقی سکونت نداشته باشند. در مواردی که آزمودنی کم‌سواد بود و نمی‌توانست نگرش خود را با مقیاس عددی تخمین بزند، محقق به او کمک کرده است. آزمودنی‌ها پس از تکمیل پرسشنامه مجاز بودند هرگونه اظهار نظر خود را درخصوص مسائل مربوط به سؤالات تحقیق در پشت برگه پرسشنامه بنویسند. این قبیل اظهارنظرهای آزاد گاه جالب‌توجه بود، هرچند در محدوده پژوهش حاضر نمی‌گنجید. در بسیاری از موارد، موقعیت شغلی آزمودنی‌ها به‌نحوی بود که نمی‌توانستند پرسشنامه را در حضور محقق تکمیل کنند و در چنین مواردی آنان مجاز بودند پرسشنامه را در منزل تکمیل کنند و ظرف چند روز تحویل دهند. از آزمودنی‌ها خواسته شد صرفاً براساس اطلاعات و تجربه فعلی خود به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهند و با فرد دیگری در این خصوص مشورت نکنند. تصویر شماره ۲ قسمتی از پرسشنامه، شامل اطلاعات فردی و سؤال اول را نشان می‌دهد.



تصویر ۲- سؤال یک پرسشنامه

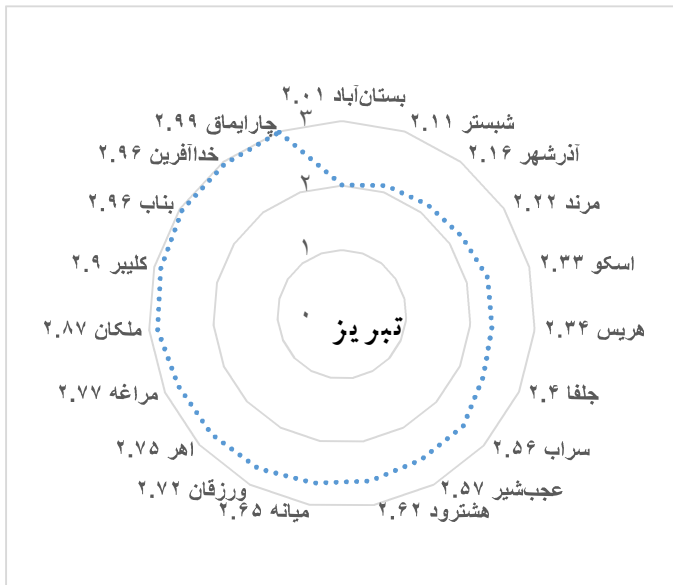
۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پاسخ آزمودنی‌ها محاسبه شد و در قالب نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه، نتایج آماری، به تفکیک پرسش‌های پژوهش، ارائه می‌شود و به تناسب موضوع و برای روشن‌تر شدن یافته‌ها، جدول یا نمودار نیز رسم می‌شود.

۴-۱- شاخص تفاوت گویشی

نگرش آزمودنی‌ها در خصوص میزان تفاوت گونه‌های زبانی استان با گونه تبریز محاسبه شد و میانگین، آماره t و درجه آزادی آن به دست آمد. نمودار شماره ۱ نگرش اهل زبان در تبریز را در خصوص میزان تفاوت گونه‌های زبانی رایج در شهرستان‌های استان نشان می‌دهد. در مرکز این نمودار، نام تبریز درج شده است، به این معنا که آزمودنی‌ها میزان شباهت یا تفاوت گونه‌های رایج در سایر شهرستان‌ها را در مقایسه با تبریز اعلام کرده‌اند. به بیان دقیق‌تر، تبریز نقطه صفر محسوب می‌شود. با توجه به نگرش آزمودنی‌ها، میانگین تفاوت گویشی بستان‌آباد ۲/۰۱ است، یعنی گویش بستان‌آباد نزدیک‌ترین گونه به گویش تبریز تلقی شده است. چنانچه در نمودار زیر، در جهت عقربه‌های ساعت حرکت کنیم، بعد از بستان‌آباد به شهرستان شبستر می‌رسیم که میانگین تفاوت ۲/۱۱ برای آن محاسبه شده است. منحنی نقطه‌چین رنگی که میان

دایره‌های هم‌مرکز رسم شده است، به‌خوبی نشان می‌دهد که همگام با حرکت در جهت عقربه‌های ساعت، به تدریج از مرکز دور می‌شویم و در انتهای خط رنگی (شهرستان چارایماق با عدد ۲/۹۹) به دورترین نقطه از مرکز دایره می‌رسیم. به این ترتیب، از نظر آزمودنی‌ها، گویش بستان‌آباد شبیه‌ترین و گویش چارایماق متفاوت‌ترین گویش نسبت به گونه زبانی تبریز است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا میان شباهت زبانی با مجاورت جغرافیایی رابطه‌ای وجود دارد؟ نمودار ۱ نشان می‌دهد شش شهرستانی که به‌لحاظ گویشی کمترین تفاوت را با تبریز دارند (بستان‌آباد، شبستر، آذرشهر، مرند، اسکو و هریس)، مطابق با نقشه استان (تصویر ۱)، همگی هم‌جوار شهرستان تبریز هستند و به این ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، دست‌کم در چارچوب پژوهش حاضر، میان مجاورت جغرافیایی و نگرش اهل زبان درخصوص شباهت زبانی رابطه مستقیم وجود دارد.



نمودار ۱- تفاوت گویشی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در مقایسه با گویش تبریز

۴-۲- شاخص صحیح‌بودن (اعتبار اجتماعی)

پاسخ آزمودنی‌ها در خصوص صحیح‌بودن یا اعتبار و منزلت اجتماعی گونه‌های زبانی رایج در استان آذربایجان شرقی محاسبه شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پاسخ‌ها در محدوده عددی ۱ تا ۷ اعلام شد. با کمک آزمون‌های ناپارامتریک، نتایج به‌نحوی منعکس شد که بیست شهرستان در زیرگروه‌های همگن طبقه‌بندی شدند. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از نظر شهروندان تبریز، گویش تبریز با میانگین $5/7552$ در زیرگروه اول جای دارد و از این نظر به‌گونه‌ای بارز و برجسته معتبرتر از سایر شهرستان‌ها قلمداد شده است. سه شهرستان جلفا، مرند و شبستر در زیرگروه دوم جای دارند. نقطه قوت محاسبه آماری با روش گروه‌های همگن این است که پدیده‌ها را صرفاً براساس مقادیر خام عددی رتبه‌بندی نمی‌کند، بلکه تعلق یک پدیده واحد به دو گروه را نیز امکان‌پذیر می‌کند. برای مثال، در جدول ۲، میانگین شهرستان مرند به‌گونه‌ای است که همزمان در گروه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرد. پایین‌ترین میانگین شاخص صحیح‌بودن برای شهرستان چارایماق (با میانگین $3/6198$) گزارش شده است. شهرستان چارایماق (با 32745 نفر جمعیت) کم‌جمعیت‌ترین شهرستان استان است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا بین رتبه یک شهرستان، از نظر شاخص اعتبار اجتماعی، با جمعیت آن رابطه‌ای وجود دارد؟ برای پاسخ به چنین پرسشی ناچاریم به سایر شهرستان‌ها نیز توجه کنیم. برای مثال، جلفا که در گروه دوم رتبه نخست را دارد و از مرند و شبستر بالاتر است، از نظر جمعیت، شانزدهمین شهرستان استان است. بنابراین، به‌نظر می‌آید برای پیش‌بینی یا تحلیل جایگاه اجتماعی گویش یک شهرستان، علاوه بر جمعیت، ملاک‌های دیگری مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی و حتی ملاحظاتی مانند هم‌مرز بودن با کشورهای خارجی نیز مؤثر است. برای مثال، در خصوص شهرستان جلفا می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که این شهرستان که در نقطه شمالی استان قرار دارد، با جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان مرز مشترک دارد و حجم مبادلات بازرگانی خارجی آن بیش از سایر شهرستان‌هاست. از سوی دیگر، این شهرستان در چند سال اخیر به منطقه آزاد تجاری تبدیل شده است و همزمان چند دانشگاه بزرگ و دولتی در سطح این شهرستان پردیس‌های بین‌المللی تأسیس کرده‌اند. نگارنده بر این باور است که رونق اداری، اقتصادی و اجتماعی شهرستان جلفا در نگرش شهروندان تبریز نسبت به اعتبار اجتماعی گویش رایج در این شهرستان مؤثر بوده است.

جدول ۲- گروه‌های همگن با توجه به شاخص اعتبار اجتماعی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۵.۷۵۵۲	تبریز
						۴.۵۵۴۷		جلفا
					۴.۴۵۰۵	۴.۴۵۰۵		مرند
					۴.۴۴۲۷	۴.۴۴۲۷		شبستر
				۴.۳۲۲۹	۴.۳۲۲۹			بستان‌آباد
			۴.۲۰۵۷	۴.۲۰۵۷				کلیبر
			۴.۲۰۰۵	۴.۲۰۰۵				آذرشهر
		۴.۱۶۴۱	۴.۱۶۴۱	۴.۱۶۴۱				اسکو
		۴.۱۶۱۵	۴.۱۶۱۵	۴.۱۶۱۵				ورزقان
		۴.۱۵۶۳	۴.۱۵۶۳	۴.۱۵۶۳				هریس
		۴.۱۵۳۶	۴.۱۵۳۶	۴.۱۵۳۶				عجب‌شیر
	۴.۱۱۷۲	۴.۱۱۷۲	۴.۱۱۷۲	۴.۱۱۷۲				میانه
	۴.۱۰۹۴	۴.۱۰۹۴	۴.۱۰۹۴	۴.۱۰۹۴				سراب
	۴.۱۰۱۶	۴.۱۰۱۶	۴.۱۰۱۶	۴.۱۰۱۶				خداآفرین
	۴.۰۸۸۵	۴.۰۸۸۵	۴.۰۸۸۵	۴.۰۸۸۵				مراغه
	۴.۰۳۱۳	۴.۰۳۱۳	۴.۰۳۱۳					اهر
	۳.۹۴۲۷	۳.۹۴۲۷						بناب
	۳.۹۰۱۰							ملکان
	۳.۸۸۵۱							هشترود
۳.۶۱۹۸								چارایمق

۴-۳- شاخص خوشایندی

علاوه بر اعتبار اجتماعی، میزان خوشایندی نیز شاخصی است که همواره مورد توجه گویش‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان بوده است. مطابق با اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنیم که تبریز با میانگین ۵/۸۴۳۸ در گروه اول شاخص خوشایندی جای دارد و سایر شهرستان‌ها در گروه‌های دوم تا نهم جای گرفته‌اند.

جدول ۳- گروه‌های همگن براساس شاخص خوشایندی

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								۵۸۴۳۸	تبریز
							۴۵۲۰۸		شبستر
						۴۰۴۷۴۰	۴۰۴۷۴۰		جلفا
						۴۰۴۶۸۸	۴۰۴۶۸۸		آذرشهر
						۴۰۴۵۸۳	۴۰۴۵۸۳		مراغه
						۴۰۴۴۲۷	۴۰۴۴۲۷		مرند
					۴۰۳۹۰۲	۴۰۳۸۰۲	۴۰۳۸۰۲		بناب
					۴۰۳۵۹۴	۴۰۳۵۹۴	۴۰۳۵۹۴		اسکو
				۴۰۲۲۹۲	۴۰۲۲۹۲	۴۰۲۲۹۲			عجب‌شیر
			۴۰۱۹۶۳	۴۰۱۹۶۳	۴۰۱۹۶۳				بستان‌آباد
		۴۰۱۶۶۷	۴۰۱۶۶۷	۴۰۱۶۶۷	۴۰۱۶۶۷				ملکان
		۴۰۰۴۹۵	۴۰۰۴۹۵	۴۰۰۴۹۵					میانه
۴۰۰۲۰۸	۴۰۰۲۰۸	۴۰۰۲۰۸	۴۰۰۲۰۸	۴۰۰۲۰۸					کلیبر
۴۰۰۱۰۴	۴۰۰۱۰۴	۴۰۰۱۰۴	۴۰۰۱۰۴	۴۰۰۱۰۴					سراب
۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴					ورزقان
۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴	۳۰۹۹۷۴					خداآفرین
۳۰۹۶۵۳	۳۰۹۶۳۵	۳۰۹۶۳۵	۳۰۹۶۳۵						هریس
۳۰۹۲۱۹	۳۰۹۲۱۹	۳۰۹۲۱۹							هشترود
۳۰۷۷۳۴	۳۰۷۷۳۴								اهر
۳۰۷۴۷۴									چارایماق

۴-۴- همبستگی دو شاخص اعتبار اجتماعی و خوشایندی

یکی از پرسش‌های تحقیق ناظر بر احتمال وجود نوعی ارتباط میان شاخص اعتبار اجتماعی و خوشایندی در ۲۰ شهرستان مورد مطالعه است. البته به‌صورت موردی می‌توان جایگاه شهرستان‌های مختلف را در دو جدول ۲ و ۳ مقایسه کرد. همان‌طور که دیدیم، شهرستان تبریز در هر دو شاخص بالاترین میانگین را دارد. علاوه بر تبریز، چند شهرستان در دو جدول فوق جایگاه‌هایی کم‌وبیش مشابه دارند. برای مثال، شهرستان جلفا که در شاخص اعتبار اجتماعی (جدول ۲) رتبه دوم را به خود اختصاص داده بود، در شاخص خوشایندی (جدول ۳) در رتبه سوم جای دارد. شبستر نیز که در جدول ۲ رتبه چهارم را دارد، در جدول شماره ۳ جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است. همانندی نسبی در رتبه‌ها محدود به جایگاه‌های بالای جدول‌ها نیست. شهرستان چارایماق در هر دو جدول در آخرین رتبه جای دارد، به این معنا که از نظر آزمون‌های پژوهش، گونه زبانی شهرستان چارایماق کم‌اعتبارترین و ناخوشایندترین گونه رایج در استان به‌شمار می‌آید. وضعیت دو شهرستان در جدول‌های ۲ و ۳ قابل بحث است. برای

مثال، گونهٔ زبانی شهرستان‌های مراغه و بناب در جدول ۲ به ترتیب پانزدهم و هفدهم است، در حالی که در جدول خوشایندی (جدول ۳)، این دو شهرستان جایگاه‌های به ترتیب پنجم و هفتم را به خود اختصاص داده‌اند. اغلب آزمودنی‌ها، به‌طور شفاهی، گزارش داده‌اند که اهل زبان در این دو شهرستان، همخوان /r/ را در اغلب بافت‌های آوایی حذف می‌کنند و به همین دلیل، اصطلاحاً «شیرین‌تر» و به تعبیری «خوشایندتر» صحبت می‌کنند. با اینکه تناظری در جایگاه دو شهرستان مراغه و بناب در دو جدول اعتبار اجتماعی و خوشایندی وجود ندارد، به‌نظر می‌آید میان این دو شاخص نوعی رابطهٔ مثبت وجود دارد. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میان شاخص اعتبار اجتماعی (پرسش دوم) و شاخص خوشایندی (پرسش سوم) با اطمینان ۹۵ درصد رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۴- همبستگی پیرسن و سطح معنی‌داری در دو شاخص اعتبار و خوشایندی

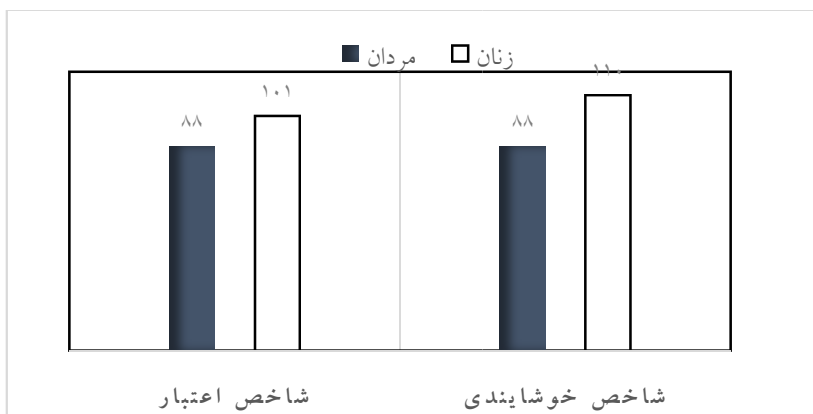
پرسش ۳ (خوشایندی)	پرسش ۲ (اعتبار)		
۰.۳۹۶	۱	همبستگی پیرسن	پرسش
۰.۰۰۰		سطح معنی‌داری	۲ (اعتبار)
۱	۰.۳۹۶	همبستگی پیرسن	پرسش
	۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	۳ (خوشایندی)

۴-۵- متغیر جنسیت

از آنجا که آزمودنی‌های مطالعه حاضر در دو گروه زنان و مردان طبقه‌بندی شده‌اند، می‌توان تأثیر متغیر جنسیت را در نگرش آنان نسبت به شاخص‌های مورد بررسی ارزیابی کرد.

جدول ۵- سطح معنی‌داری در دو شاخص اعتبار و خوشایندی براساس جنسیت

میانگین		سطح معنی‌داری	
مردان	زنان		
4/14	4/29	0/000	شاخص اعتبار
4/09	4/41	0/000	شاخص خوشایندی



نمودار ۲- فراوانی امتیاز ۷ برای شهرستان تبریز برحسب جنسیت

۴-۶- متغیر سن

ارزیابی نگرش آزمودنی‌ها به تفکیک سن نیز جالب توجه است.

جدول ۶- نگرش آزمودنی‌ها به دو شاخص اعتبار و خوشایندی برحسب متغیر سن

میانگین			P-value	
۴۶ ساله به بالا	۲۵-۴۵ ساله	۱۸-۲۵ ساله		
4/20	4/18	4/28	0/04	شاخص اعتبار
4/21	4/23	4/32	0/018	شاخص خوشایندی

از نکات قابل تأمل در این بخش این است که شمار افراد گروه سنی ۴۶ ساله و بالاتر که به لحاظ شاخص اعتبار به گویش تبریز عدد ۷ داده‌اند، کمتر از سایر گروه‌های سنی است و این الگو در شاخص خوشایندی نیز تکرار می‌شود. به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد که افراد گروه سنی بالاتر در تبریز، به لحاظ اعتبار اجتماعی، گونه‌های زبانی رایج در سایر شهرستان‌های استان را کم‌وبیش هم‌ارز با گویش تبریز می‌دانند.

۴-۷- متغیر تحصیلات

مطابق با داده‌های درج‌شده در جدول شماره ۷، مشاهده می‌کنیم که آزمودنی‌های گروه کارشناسی و بالاتر در خصوص شاخص صحیح‌بودن (اعتبار اجتماعی) حساسیت بیشتری به خرج

داده‌اند، درحالی‌که در زمینه شاخص خوشایندی، گروه دارای تحصیلات پایین‌تر از کارشناسی با میانگین ۴/۳۳ نشان داده‌اند که به این ویژگی بیشتر توجه داشته‌اند. لازم به ذکر است که در گفت‌وگوهای فردی میان محقق و آزمودنی‌ها، افراد کم‌سواد اغلب با ذکر چند مثال درخصوص «شیرین‌بودن»، «دلنشین‌بودن» و، به تعبیری، خوشایندی گویش‌ها و لهجه‌های مختلف در استان - به‌خصوص دو شهرستان مراغه و بناب - اظهار نظر می‌کردند. چنین گرایشی در گروه کارشناسی و بالاتر کمتر مشاهده شد.

جدول ۷- سطح معنی‌داری در دو شاخص اعتبار و خوشایندی برحسب متغیر تحصیلات

میانگین		سطح معنی‌داری	
کارشناسی و بالاتر	پایین‌تر از کارشناسی		
4/26	4/18	0/030	شاخص اعتبار
4/17	4/33	0/000	شاخص خوشایندی



نمودار ۳- فراوانی امتیاز ۷ در گونه تبریز براساس متغیر تحصیلات

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش ضمن بحث پیرامون یافته‌ها، نتایج حاصل از این مطالعه را با یافته‌های مطالعات پیشین مقایسه می‌کنیم. در ارتباط با پرسش اول- میزان تفاوت گونه‌های زبانی استان آذربایجان شرقی با تبریز- دیدیم که براساس نگرش آزمودنی‌ها، گونه‌های زبانی شش شهرستان

همجوار با تبریز بیشترین شباهت را با گونهٔ این شهر دارند، به این ترتیب، به نظر می‌آید اصل همجواری در نگرش زبانی اهل زبان در استان آذربایجان شرقی تأثیر دارد و از این منظر، یافتهٔ ارائه‌شده توسط مونتگمری (۲۰۱۴) در انگلستان تأیید می‌شود.

درخصوص شاخص صحیح‌بودن (اعتبار اجتماعی) دیدیم که آزمودنی‌ها، گونهٔ رایج در شهر خود-تبریز- را معتبرتر از سایر شهرستان‌ها می‌دانند. نکتهٔ جالب توجه این است که سه شهرستان بعدی، شامل جلفا، مرند، شبستر (به جز مرند)، شهرستان‌های پرجمعیت استان نیستند. در مورد شهرستان جلفا این فرضیه مطرح است که معرفی آن به‌عنوان منطقهٔ آزاد تجاری و نیز همسایگی آن با جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان در شکل‌گیری چنین نگرشی در میان شهروندان تبریز بی‌تأثیر نیست. این یافته با نتایج مطالعهٔ دیلی‌اوکین (۱۹۹۹) در مناطقی که پیش‌تر در قالب دو کشور آلمان شرقی و آلمان غربی مطرح بودند هم‌سوست، زیرا او هم گزارش داده است که رفاه و توسعهٔ صنعتی و اقتصادی می‌تواند در نگرش اهل زبان درخصوص اعتبار اجتماعی یک گونهٔ زبانی مؤثر باشد.

نگرش شهروندان تبریز دربارهٔ خوشایندی نیز نشان داد که آنان گونهٔ زبانی شهر خود را خوشایندتر از گونه‌های سایر شهرستان‌ها می‌دانند. با وجود برخی جابجایی‌ها در رتبهٔ شهرستان‌ها در دو شاخص اعتبار و خوشایندی، دیدیم که میان این دو شاخص همبستگی وجود دارد. به بیان دقیق‌تر-به جز دو استثنا شامل مراغه و بناب- از نظر شهروندان تبریز، هرچه گونهٔ زبانی یک شهرستان معتبرتر باشد، خوشایندتر نیز هست.

درخصوص متغیر جنسیت مشاهده کردیم که متغیر مذکور در ارزیابی تفاوت یا شباهت‌های گویشی تأثیری ندارد، اما در دو شاخص اعتبار اجتماعی و خوشایندی، تاندازه‌ای، تعیین‌کننده است. در یک برآورد موردی، دیدیم که از میان ۱۹۲ آزمودنی زن این پژوهش، ۱۰۱ نفر، به‌لحاظ صحیح‌بودن (اعتبار)، به شهر تبریز امتیاز هفت داده‌اند، درحالی‌که عدد مذکور درخصوص آزمودنی‌های مرد تنها ۸۸ نفر است. درخصوص شاخص خوشایندی نیز وضعیت کم‌وبیش به همین شکل است، چراکه ۱۱۰ زن، به‌لحاظ خوشایندی، به شهرستان تبریز امتیاز هفت داده‌اند، در حالی که ۸۸ مرد چنین امتیازی را برای گونهٔ زبانی تبریز قائل شده‌اند. بنابراین، به نظر می‌آید زنان، گونهٔ زبانی مرکز استان را صحیح‌تر و خوشایندتر می‌دانند و این امر با یافته‌های گزارش‌شده از شهر دیترویت ایالات متحدهٔ آمریکا (ولفرام، ۱۹۶۹، به نقل از

مدرّسی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) و نیز نوریچ انگلستان (چمبرز و ترادگیل، ۲۰۰۴: ۶۱-۶۳) درخصوص گرایش زنان به استفاده از ویژگی‌های زبانی دارای اعتبار اجتماعی بالاتر هم‌راستا است.

در ارتباط با متغیر سن دیدیم که گروه سنی ۲۶ تا ۴۵ ساله قائل به وجود تفاوت‌های بیشتری میان گویش تبریز با سایر شهرستان‌ها هستند. همچنین این گروه سنی کمترین حساسیت را نسبت به شاخص اعتبار اجتماعی دارد. از سوی دیگر، گروه سنی ۲۵-۱۸ ساله بیشترین حساسیت را نسبت به خوشایندی گویش‌های استان داشته است.

دقت در میانگین امتیازات دو گروه تحصیلی پایین‌تر از کارشناسی و کارشناسی و بالاتر حاکی از آن است که تحصیلات، برخلاف دو متغیر جنسیت و سن، تأثیر چندانی در ارزیابی اعتبار گویش‌های استان ندارد، هرچند این متغیر در مورد شاخص خوشایندی حائز تفاوتی معنی‌دار است، به طوری که افراد گروه غیرتحصیل‌کرده (پایین‌تر از کارشناسی) حساسیت بیشتری به مفهوم خوشایندی گونه‌های زبانی استان نشان می‌دهند. این تفاوت در امتیازدهی مرکز استان به وضوح مشاهده می‌شود. برای مثال، ۱۰۳ نفر از گروه غیرتحصیل‌کرده، برای شاخص اعتبار گونه زبانی تبریز عدد هفت در نظر گرفته‌اند، در حالی که عدد مشابه در گروه تحصیل‌کرده ۸۶ نفر است. همچنین ۱۱۷ نفر از گروه غیرتحصیل‌کرده برای شاخص خوشایندی شهر تبریز عدد هفت قائل شده‌اند، در حالی که تنها ۸۱ نفر از تحصیل‌کرده‌ها چنین امتیازی به شهر تبریز داده‌اند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که تحصیل‌کردگان شهر تبریز حساسیت کمتری نسبت به اعتبار زبانی و خوشایندی گونه مرکز استان نشان می‌دهند. در توجیه این وضعیت شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که اغلب افراد تحصیل‌کرده به دلیل ضرورت‌های شغلی و تخصصی خود بیش از افراد غیرتحصیل‌کرده با زبان‌های غیر از ترکی آذری (زبان فارسی و حتی در مواردی زبان انگلیسی) سروکار دارند و به همین دلیل برای تحصیل‌کردگان، اصولاً تفاوت‌های میان گونه‌های مختلف ترکی آذری- اعم از مرکز استان یا سایر شهرستان‌ها- اهمیت چندانی ندارد.

پژوهش حاضر نخستین گام در ارزیابی نگرش زبانی اهل زبان در آذربایجان شرقی به‌شمار می‌آید و محقق بر این باور است که با انجام مطالعات گسترده‌تر در مناطق دوزبانه کشور

می‌توان به برنامه‌ریزی زبانی و اتخاذ تصمیم‌های خرد و کلان در نهادهایی همچون صداوسیما استان‌ها، آموزش و پرورش و نظایر آن کمک کرد.

منابع

اسماعیلی، محمدرضا، حسن بشیرنژاد و مهرداد روحی‌مقدم (۱۳۸۶). «بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل (گزارش یافته‌های یک پژوهش میدانی)». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۵۶، ۲۸-۱.

افخمی، علی، و نگار داوری اردکانی (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی زبان و نگرش‌های زبانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دوره ۵۶، ش ۱۷۴، ۲۳-۱.

داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۸). «برنامه‌ریزی زبان، فرهنگ زبانی و مؤلفه‌های آن (مطالعه‌ای موردی در شهر تهران)». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره ۲، ش ۱، ۹۹-۱۲۱.

مدرّسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Berns, M. & K. Matsuda (2006). „Applied linguistics: Overview and history”. In K. Brown (ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford: Elsevier, 394-405.
- Bhatia, T.K. (2006). “Bilingualism and second language learning”. In K. Brown (ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford: Elsevier, 16-22.
- Chambers, J.K., & P. Trudgill (2004). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dailey-O’Cain, J. (1999). “The perception of post-unification German regional speech”. In D. R. Preston (Ed.), *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol.1). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins, 227-242.
- Demirci, M. & B. Kleiner (1999). “The Perception of Turkish Dialects”. In D. R. Preston (Ed.), *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol.1). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins, 263-282.
- Hartley, L.C. (1999). “A view from the West: Perceptions of U.S. dialects by Oregon residents”. In D. R. Preston (Ed.), *Handbook of Perceptual*

- Dialectology* (Vol 1). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins, 315-332.
- Kuiper, L. (2005). "Perception is reality: Parisian and Provençal perceptions of regional varieties of French". *Journal of Sociolinguistics*. 9(1), 28-52.
- Long, D. & Y. C. Yim (2002). "Regional differences in the perception of Korean dialects". In D. Long & D. R. Preston (Eds.), *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol.2). Amsterdam: John Benjamins, 249-275.
- Montgomery, C. (2012). "The effect of proximity in perceptual dialectology". *Journal of Sociolinguistics*. 16(5), 638-668.
- Wolfram, W. (1969). *A sociolinguistic description of Detroit Negro speech*. Washington, D. C.: Center for Applied Linguistics.